

توهم توطنه یا ...

مهرداد نصرتی: در این مقاله با رویکرد شناخت نتیجه سوء استفاده ازبازی از محصولات هنری و ادبی نگاهی خواهیم داشت به اثر چنانان سونیت یعنی سفرهای گالیور. سونیت در نامه ای که خود را کاپیتان گالیور معرفی می کند به ناشر این اثر آقای سیمپسان، از سانسورهای اعمال شده بر کتاب و تغییراتی که ناشر بدون اجازه مولف داده گلابه جدی می کند تا جایی که می نویسد: آنقدر تغییرات شدید هستند که دیگر خودم هم نوشته هایم را نمی شناسم.

گالیور داستان دریانوردی است که کشتی شکسته اش غرق شده و یاران خود را نیز در دریا گم کرده وقتی از خواب بیدار می شود خود را اسیر کوتوله های لی لی پوت می بیند. گالیور مظهر روشنفکری است و لی لی پوت، شرایط حاکم بر انگلستان آن روز که اختیاراتش به دست کوتوله های فکری افتاده است. در این تفسیر نه دیگر گالیور سمبل یک روشنفکر آگاه است و نه لیلی پوت شهر کوتوله های فکری، سیاسی و اجتماعی، بلکه او نماد قدرت های سلطه گر جهانی است که با سفر خود به خاورمیانه ابتدا آنها را وحشت زده می کند ولی پیرو آن معدن رحمت آسمانی برای اسکان کشورهای ضعیفی می شود که به شکل سبلیک به صورت کوتوله های شهر لی لی پوت نمایش داده شده اند.

بازگرداندن تک تک وقایع سفر گالیور با این خوانش ویژه، در کمال تعجب، از آقای سونیت دشمنی می سازد که وظیفه فرهنگ سازی برای استعمار غرب را در کشورهای خاورمیانه ای بر عهده دارد و گالیور را غول مهربانی معرفی می کند که حتی ادرار او آتش فتنه را در کاخ های حکومت خاورمیانه ای خاموش می سازد. تبدیل سفرهای گالیور به فیلم و کارتون، ترجمه و پخش آن از رسانه های این منطقه تمامی دست اندرکاران را در هر حوزه ای از این فعالیت، به جماعتی خائن و وطن فروش مبدل می سازد تا از پشت همه اینها صدای قهقهه های شیطانی صهیونیسم جهانی را به گوش برساند که باز با حلیه ای دیگر توانسته است ذهن مردم و به خصوص نوجوانان و جوانان ما را شستشو دهد.

علت دشمنی در این مثال چیزی نیست جز آنکه این افراد خواسته یا ناخواسته باعث شدند ابزاری که می توانست در اختیار جوامع خاورمیانه ای باشد تا با یادآوری دیکتاتوری حاکم بر جامعه انگلیس و نیز کوته بینی های مکرر و دائمی حاکمان (کوتوله های لی لی پوتی) و غربت روشنفکران شان (گالیور)، به پتکی بدل شود که بر سر جوامع ما فرود آید.

لامزه گرفتن ابتکار عمل در دست و تغییر جریان بازی به نفع مللی که به اندازه کافی چوب استعمار و استثمار را خورده اند، وجود اختیار و قدرت در دست کسانی است که از این توانایی های ذهنی برخوردارند و تا بازی به دست لی لی پوتی های کوتوله ای است که بازی برده ما را مثل ماجرای تعبیر دوم داستان گالیور به باخت تبدیل می کنند این مهم برآورده شدنی نیست.

شهیدلای بسیج

شهید محرم چگینی قشلاقی
سن: ۳۴ ساله
تاریخ شهادت: دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۸
محل شهادت: تهران بین خیابان آزادی تا پل جناح
نحوه شهادت: اصابت گلوله توسط نیروهای بسیجی



* غفار فرزندی مسئول شاخه آذربایجان نهضت آزادی بدلیل امضای نامه فعالان سیاسی به سید محمد خاتمی به وزارت اطلاعات احضار شد و مورد ضرب و شتم قرار گرفت.

* معصومه ابتکار، احمد مسجدجامعی، اسماعیل کهرم، فاطمه چهل امیرانی (همسر شهید باکری) و زیلا بدیهان (همسر شهید همت) در نامه ای خطاب به اسماعیل رضایی، پدر مرحوم مجتبی رضایی که در سال ۸۷ توسط یک محیطبان در منطقه دنا کشته شد، از او درخواست کرده اند این محیطبان را عفو کند.

* مصطفی مقبسه، پسر محمدرضا مقبسه در سالن ملاقات مورد ضرب و شتم سربازان زندان اوین قرار گرفت. به گفته خانواده های زندانیان سیاسی این ضرب و شتم و برخورد غیر انسانی در مقابل ده ها خانواده و فرزندان آن ها صورت گرفته است. تا آنجا که کودکان حاضر در سالن به شدت ترسیده و فضای استرس و الهاب در بین خانواده ها شدت گرفته است.



اگر قدر زحمات طاقت فرسای مهندس موسوی و همکارانش را نمی دانید، لافاقل اینقدر فهم و درک داشته باشید که من هرگز کشور را در اختیار آن جریان فکری قرار نمی دهم که همگی با هم حتی قادر به اداره یک نانوائی هم نیستند. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۰۰

نوری زاد خطاب به رهبری:

امروز چه بخواید و چه نخواهید، مسئول هرز روی های تریلاردی هستید

بیرون کشیده است. دست اگر به ترکیب او بزنید، او - که به هیچ تعادلی متعادل نیست - ای بسا به ترکیب اطرافیان شما دست بزند و با فشار یک دکمه، همه ی اسرار مگوی حامیان شما را روی میز شعبده اش بریزد.

او به رهبری می گوید: سخت دلنگ آن شجاعت کم نظیر شمایم که بگوید: مرا از چه می ترسانید؟ از افشای دزدی های هوادارانم؟ این شما و این هواداران من. رئیس مجلس اگر دزدی کرده، فرزندان من آیا کیج رفته اند؟ فلان آیت الله که حامی من است اموال مردم را بالا کشیده؟ به دستور من آیا میلیارد میلیارد به افغانستان و حزب الله لبنان و فلسطین پول سرازیر شده؟ پاسداران حامی من از تره بان خصلت های نادرست بالا رفته اند و در آسمان غارت اموال مردم خانه کرده اند؟ این من و این اطرافیان من و این محکمه ی عدل شما. و باز بفرمایید: از آن سوی اما به دزدی های شخص رئیس جمهور و معاون اولش و هزار حامی زیرک او نیز رسیدگی کنید. و به جنازه و لشی که احمدی نژاد از ایران و ایرانی بر ساخته است نیک بنگرید و مقصران این بختک شوم را شناسایی کنید.

در این نامه خطاب به رهبری آمده است: امروز چه بخواید و چه نخواهید مسئول هرز روی های تریلاردی وی و اطرافیان وی هستند و امروز دیگر هیچ تشکیلات سیاسی مغایری در راس یا در حاشیه ی امور نیست تا بشود آوار این دزدی ها و کیج روی ها را بر سر او فرو ریخت.

او افزود: شخص شما در افراختن این سقف سُست سهیم بوده اید. مصادره ی خیزش مردمان عرب به نفع خود به اسم بیداری اسلامی، و این که آنان از ما الگو گرفته اند و به رسمیت شناختن جنبش وال استریت از یک سوی و سرکوب جنبش ایرانیان از دگرسوی، این گریزها نیز نمی تواند ما را از سرنوشتی که برای بلعیدن ما خیز برداشته، برهاند.

او که در مصاحبه با کلمه اشاره کرد: ردپای دزد را در آن سوی دیوار خانه مجوی. دزد هموست که ما او را به نگاهبانی گمارده ایم. داستان سهام مخاربات و بالا کشیدن آن توسط سپاه همان نوک کوه یخ است. ما ظاهراً اهلایمان را به این پاسداران سپرده بودیم و ادامه ی این حکایت را به عهده ی "برادران قاچاقچی" می گذاریم، در نامه اش هم نوشت: به اسم این که نباید آبروی متهمین را پیش از اثبات جرم بردهنوز که هنوز است هیچ اسمی و نشانه ای از اختلاسگران و دزدان و همکاران آن رقم بهت انگیز سه هزار میلیارد توانمی منتشر نکرده ایم اما بلافاصله اسم چند مستند ساز را بدون آنکه محکمه ای ترتیب داده باشیم با جاسوسی و عاملیت بیگانگان درمی آمیزیم. در این نامه به فیلمی اشاره شده که به طور محرمانه در حال ساخت آن برای ارائه به مقام رهبری بوده درباره آنچه در زندان و بازجویی ها بر او گذشته که او از یورش ماموران سپاه به منزلش و ربودن تجهیزات و فیلم های ضبط شده به این منظور خبر داده و با بیان اینکه آنان اما مرا به قدر خود خام و ناپخته انگاشتند و ندانستند آنچه از من برودند اند، تمامی فیلم های گرفته شده نیست و نسخه ی بسیار کاملی از آن را با خود دارم و بعد از تکمیل برای آیت الله خامنه ای خواهم فرستاد.

وی و تفتیش آن، او را بازداشت کرده و وسایل شخصی او را نیز با خود برده اند.

* معصوم فردیس، معاون پیشین وزیر ارتباطات در وضعیت جسمانی نامناسبی در بند ۲۵۰ زندان اوین به سر می برد و نیاز به مرخصی استعلاجی جهت درمان دارد.

* حکم دادگاه احمدرضا احمدپور، جانیاز شیمیایی و محقق حوزه، در دادگاه تجدید نظر تایید شد. او به سه سال حبس و ده سال تبعید محکوم شده است.

* تسنیر ستوده به دلیل عدم استفاده از چادر در زندان به مدت سه هفته از ملاقات کابینی محروم شده است.

* جمعی از جوانان اصلاح طلب، با صدور بیانیه ای به مرور رفتار حاکمیت جمهوری اسلامی در دو سال و نیم اخیر پرداخته و نسبت به تبعات و نتایج تداوم وضع فعلی هشدار دادند.

نوری زاد که در مصاحبه اش با کلمه گفته بود: دزد هموست که ما او را به نگاهبانی گمارده ایم. در نهمین نامه اش به رهبری هم به صراحت نوشت: در این روزها از شجاعت رهبران سراغی نمی بینم و آن سوتر، گاه ملاحظاتی را از وی دریافت می کنیم که شجاعت وی را به مخاطره و به حاشیه می رانند. آیا این جابجایی شجاعت و ملاحظه را به کیاست و درایت و درستی تشخیص وی ربط دهیم؟ یا که نه، این کهنسالی است که عارضه های خاص خود را بر کشیده و بر زبان و قلم رهبر شجاع ما نشانداده است؟ به گونه ای که او اکنون، نمی تواند دستور بازداشت و محاکمه ی دزدان صاحب نام داخل دولت را صادر کند. بلکه از آن سوی، راه دستگاه نیم بند قضا را نیز بر محاکمه ی آنان می بندد.

وی در مصاحبه با کلمه درباره فسادهای اخیرا فاش شده دولت و جریان حاکم گفت: تاگر رهبر ما خود شخصاً به دستگاههای نظارتی اجازه واکاوی در چندوچون پولی دستگاههای تحت امر مستقیمش را می داد و از آنها می خواست مرتب به مردم گزارش بدهند، دیگران اینگونه در رویداد اموال عمومی مردم حرص نمی شدند. در نامه او خطاب به آیت الله خامنه ای آمده است: هرگز تصور نمی کردم این ایام عمر شما با توفانی از تند و تش و پراکندن مردمان همراه باشد. برای کدام باقی عمر، و برای دست بردن به کدام برانزدگی، دست به ترسیم توفانی ترین مقطع عمر خویش برده اید؟ جامعه ای که توفان درویش در زنجیر است و ما هر روز به پای این سرزمین سر خورده اما توفانی، زنجیر تازه می بندیم؟

او اشاره دارد: ما در این سالهای پس از انقلاب، بی گناهان بسیاری را برای باقی ماندن خودمان در مصدر و مسند قدرت کشته ایم و بسیاری را بی دلیل به زندان و دخمه های تنگ نظری خویش در انداخته ایم در غرقابی از تعفن دروغ و دزدی و بد اخلاقی گرفتار آمده ایم. قبول می فرمایید که در سخنان این روزهای خود، هرچه بر امید و پیشرفت و شکوفایی و دست یابی به بند بند سست "چشم انداز" اصرار ورزیم، بذرخن در باد افشاندن ایم.

در این نامه آمده است: شما رهبر شجاعی بوده و هستید. منتها این شجاعت به مرور در پر خاش جلوه و خانه کرد و این اواخر بیشترین مخاطب پر خاش های جناب شما نه آمریکا و اسرائیل و دزدان و نابکاران، که مردم معترض خودتان بوده است.

نوری زاد نوشت: شما در سالهای سهمناک کهنسالی خود همه را قربانی بر آمدن فرد نالایقی چون احمدی نژاد کردید تا مگر این غلام حلقه به گوش، عصای کهنسالی شما باشد غافل که این غلام حلقه به گوش، حاجت هایی را برای خود رصد می کرده است. امروز شما به آنچهان فرسایشی از آن شجاعت دلخواه ما دچار شده اید که باید ناگزیر و دل چرکین، جنازه ی این رئیس جمهور دغلکار را تا پایان دوره اش به دوش بکشید. چرا؟ چون او با زیرکی به اختفای اسرار شما دست برده و اسناد غیر قابل انکاری از خطاکاری برادران قاچاقچی و دوستان و حامیان شما را از وزارت اطلاعات

* بیش از ۵۰۰ کارگر شرکت نیشکر هفت تپه کارون روز دوشنبه در مقابل ساختمان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تجمع و به پرداخت نشدن چند ماه حقوق خود اعتراض کردند. هم چنین دهها تن از فعالان و تولید کنندگان لبنی کشور با تجمع در برابر وزارت صنعت، معدن و تجارت نسبت به عملکرد دولت در عدم تخصیص یارانه های حاصل از طرح هدفمندی به تولید کنندگان با تجمع مقابل ساختمان شهید مهری وزارت صنعت و معدن، شعار الله اکبر سر دادند.

* خبرها از دانشگاه مازندران حاکی از آن است که پس از تجمع هفته گذشته دانشجویان در دانشگاه مازندران، فشارها بر فعالین این دانشگاه تشدید یافته است. با وجود برخورد نه چندان تند حراست با دانشجویان در حین تجمع، از همان روز تجمع تهدیدها و احضارها به حراست مرکزی آغاز شد و همچنان نیز ادامه دارد. در آخرین مورد برخی از دانشجویان نیز به دانشگاه ممنوع ورود شده اند.

* حسین فاضی، از اعضای ستاد میرحسین موسوی، صبح روز چهارشنبه بیستم مهر ماه بازداشت شد. ماموران امنیتی با ورود به منزل